

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۵۴ - ۲۳۵

بررسی چالش های اخلاقی حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران

^۱ سید علیرضا موسوی

^۲ مسعود قاسمی

^۳ محمد جواد جعفری

چکیده

یکی از بارزترین حقوق متهم که در اسناد بین الملل و نظام های حقوقی و همچنین در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گرفته است، حق سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی است. اما نظر و توجه اندیشمندان و حقوقدانان به بعد اجرایی آن و رعایت این حق در دادرسی ها همواره مورد مناقشه بوده است. برخی رعایت حق سکوت را موجب اطاله دادرسی، فرار متهمین و مجرمین حرفه ای از چنگال عدالت و... می دانند. برخی از بعد اخلاقی و در راستای حفظ کرامت انسانی متهم و در پرتوی اصل برائت از وجود حق سکوت متهم دفاع نموده اند و برای عدم رعایت حق سکوت متهم ضمانت اجرایی پیش بینی نموده اند. مساله این است از منظر اخلاق در اجرای رعایت حق سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی در نظام حقوقی ایران موانع و مشکلاتی وجود دارد که به عنوان چالش آن را باید مورد بررسی قرار دهیم. تنها راه رسیدن به مقصود قانون و اخلاق که همانا رعایت، حق سکوت متهم در دادرسی ها است عبور از این موانع و چالش هاست. دغدغه محقق این است که چالش های پیش رو را باید شناسایی و در جهت رفع این گونه چالش ها باید به دنبال سازو کارهای اخلاقی، حقوقی، قضایی و اداری، انتظامی باشیم تا ضمن حفظ کلیت نظام حقوقی، به حقوق مسلم متهم نیز بی توجهی نشده باشد در تحقیق پیش رو از روش توصیفی و کتابخانه ای استفاده شده است و نتایجی که از این تحقیق به دست می آید پیش بینی سازو کارهای اخلاقی و تقنینی، قضایی، اداری و انتظامی برای تسهیل در اجرای رعایت حق سکوت در مراحل مختلف دادرسی است، شناخت راهکارها جهت رفع چالش های موجود، موجب برداشتن گام بسیار مفید و موثری در راستای عادلانه نمودن سامانه دادگستری جنایی می شود.

واژگان کلیدی

اخلاق، حق سکوت متهم، چالش ها، سازوکارها، نظام حقوقی ایران، دادرسی عادلانه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Email: Ater1354@gmail.com

۲. دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران.

Email: md.ghasemi@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

۳. دکترای حقوق عمومی، رئیس پژوهشکده حقوق و علوم سیاسی، هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران.

Email: Dr.jafari14@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۹

طرح مسأله

دانشمندان اخلاق این واژه را در معانی پرشماری به کار برده اند، رایج ترین معنای اصطلاحی آن عبارت اس از صفات و ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شود کارهای متناسب با آن صفات، بهطور خود جوش ووبدون نیاز به تفکر وتامل از انسان صادر شود (شریفی، ۲۵: ۱۳۹۳)

در نظام حقوقی ایران حق سکوت از طرف قانونگذار اساسی به صورت ضمنی پذیرفته شده است و قانونگذار عادی نیز صراحتاً به آن اشاره نموده است. در قانون اساسی مبنای حق سکوت را در اصول سی وهفت وسی وهشت میتوان یافت ودر قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۱۹۷ به آن اشاره نموده است. توجه به حقوق متهم بخصوص حق سکوت بسیار حایز اهمیت است چون سرنوشت متهمان پرونده تا حدود زیادی در گروه رعایت کردن یا رعایت نکردن حق سکوت متهم در جریان دادرسی و مرحله تحقیقات مقدماتی است. پیچیده شدن جرایم وعدم کشف آنها به سهولت، اطلاعات بالای حقوقی متهمان ومجرمان حرفه ای، عدم تناسب بین منابع وامکانات دستگاه قضا ودستگاه پلیس به لحاظ مقایسه با تراکم پرونده ها، فشار روانی کارکنان دستگاه عدالت ودستگاه پلیس در به نتیجه رساندن ومختومه نمودن پرونده ها، آمار گرایی واقرار محوری باعث می شود که در برخی موارد حق سکوت متهم رعایت نشود واصول بنیادین حقوق کیفری نادیده گرفته شود.

مساله این است که در نظام حقوقی ایران با وجود موانع وچالش های که وجود دارد چگونه می توانیم در راستای تضمین حقوق متهمین (حق سکوت) بارعایت اخلاق گام برداریم، پلیس وقضات که مجریان عدالت هستند گاهی نمی توانند از این مساله وموانع عبور کنند به لحاظ رسیدن به هدف سازمانی خود حق سکوت را نادیده می گیرند وقتی در مسیر دادرسی عادلانه به چالش ها بر می خوریم، بر آنها انتقاداتی است، که برای حل آنها نیاز به ارایه راهکارها می شویم. سوالی که به ذهن متبادر می شود این است که در رعایت حق سکوت متهم در مراحل دادرسی با چه چالش های روبه رو هستیم؟ جهت گذر از این چالش ها چه باید کرد؟

مقاله پیش رودر دو گفتار ۱- چالش های اخلاقی رعایت حق سکوت ۲- سازوکارهای اجرایی شدن حق سکوت تنظیم شده است. گفتار اول به دو قسمت الف: چالش های حقوقی وب: چالش های غیر حقوقی حق سکوت پرداخته است ودر گفتار دوم سه مبحث ۱- سازوکارهای تقنینی ۲- سازوکارهای قضایی ۳- سازوکارهای اخلاقی و اداری وانتظامی مورد بررسی قرار داده شده است، امید است با نتایج به دست آمده تا حدودی بسترهای لازم جهت رعایت حق سکوت در قوانین کیفری فراهم شده باشد.

گفتار اول: چالش‌های اخلاقی رعایت حق سکوت متهم

قانون گذاری در ایران، حاکی از آن است که قانون گذار بدون در نظر گرفتن اخلاق هیچ‌گاه نتوانسته است تمامی ابعاد مورد نیاز در همه قوانین را در تقنین مد نظر قرار دهد، هر چند اندیشمندان و صاحب نظران در راستای تدوین قانون جامع و بدون نقص تلاش کرده اند و هزینه های هنگفت برای تهیه طرح ها و لوایح قانونی برای موضوعات مختلف صرف نموده اند ولی به دلایل متعددی همچون پیشرفت تکنولوژی و ناتوانی فکر انسان برای حرکت به موازات آن، نقایص و تعارضاتی در آن ملاحظه می شود که موجب به وجود آمدن چالش ها و موانعی می شود که در اجرای صحیح قوانین تعلل به وجود می آورند. موضوع حق سکوت متهم نیز از این امر مستثناء نیست، چالش های که در این زمینه وجود دارد به آنها اشاره می شود.

۱-۱. چالش های اخلاقی حقوقی رعایت حق سکوت متهم

قواعد اخلاقی موجب تعادل حقوق کیفری می شود چنانچه توجه به اخلاق کم رنگ شود می توان گفت حقوق کیفری قابلیت پذیرش خود را از دست می دهد، (فرنام، ۱۳۹۴) برخی از مواد قانونی به خودی خود مانعی جهت اجرای حق سکوت در جریان دادرسی ها می شود که به طور اختصار به آنها می پردازیم.

۱-۱-۱. موضوعیت داشتن اقرار در برخی جرایم

یکی از چالش های برخورداری از حق سکوت متهم، موضوعیت داشتن اقرار در قوانین است. رویه قضایی ایران طریقت اقرار در جنایات را پسندیده است، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۶۱ (ادله ای مانند اقرار و شهادت موضوعیت دارند و قاضی به استناد آنها رای صادر می کند، مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشیم) و در ماده ۱۶۲ (هر گاه ادله ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد می تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود.) سخن از موضوعیت برخی ادله اثبات شرعی از قبیل اقرار و شهادت به میان آورده است. همچنین صدر ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به روشنی این مطلب را تایید می کند: هر گاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی رسد. تاثیر گذاری این دلیل به اندازه ای است که ماموران باز جو پس از رجوع متهم از اقرار و دلالت امارات و قرائن بر غیر واقعی بودن پذیرش اتهام، تحقیقات را با ذهنیت مجرم بودن متهم پیش می برند، به باور آنان کسی که جرمی انجام نداده باشد هرگز به ارتکاب جرم اقرار نمی کند. (فرجیه و غلاملو، ۱۳۹۵: ۲)

در جرم قتل، اقرار متهم موضوعیت دارد چرا که در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر

داشته)) هرگاه یکی از دو شاهد گواهی دهند که متهم اقرار به قتل عمد نمود و دیگری گواهی دهد متهم اقرار به قتل کرد و به قید عمد گواهی ندهند اصل قتل ثابت می‌شود...)) در بیشتر جرایم کیفری یک بار اقرار موجب اثبات جرم خواهد بود ولی جرایمی که مجازات آنها حدی است تعداد اقرار برای اثبات جرم متفاوت است من حیث المجموع قانونگذار به اقرار متهم موضوعیت داده است و اقرار متهم را برای اثبات جرم کافی دانسته است. همین امر باعث می‌شود که قبل از هر چیزی باز جویان به دنبال اقرار گرفتن از متهم باشند بدون اینکه متوجه شوند که این کار حقوق متهم را از حیث داشتن حق سکوت، دارد تضییع می‌کند.

۱-۱-۲. عدم تفهیم حق سکوت متهم در قوانین موجود

حق سکوت متهم به صراحت در قانون اساسی مطرح نشده است اما اصولی از قانون اساسی به طور ضمنی اشاره به این حق نموده اند، اصل عدم تفتیش عقیده، اصل برائت و اصل منع شکنجه در ارتباط با حق سکوت و توجیه کننده حقوق دفاعی متهم هستند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۰۷)

از جمله اصول و قواعدی که مبنای حقوق کیفری بوده و یکی از معیارهای دادرسی عادلانه محسوب می‌شود رعایت اصل برائت است. بر پایه این اصل برائت، متهم ملزم به ارائه دلیل نیست و در نتیجه می‌تواند سکوت کند. با استدلال از اصل سی و هشتم قانون اساسی می‌توان مبنای حق سکوت را در آن پی جویی کرد وقتی نمی‌توان سکوت را همیشه بر پایه منفی حمل کرد (ممکن است پاسخ مثبت باشد) و شکنجه برای گرفتن اقرار یعنی گرفتن پاسخ مثبت، صورت می‌گیرد. بنابراین شکنجه برای گرفتن اقرار نوعی نقض حق سکوت متهم است و قانون اساسی به اعتبار احترامی که برای حق سکوت قائل بوده، نقض آن را از راه شکنجه ممنوع اعلام کرده است. البته باید توجه داشت که شکنجه همیشه برای گرفتن اقرار نیست، بلکه ممکن است برای جلوگیری از اقرار هم باشد. (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۹۹)

در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۰ هجری شمسی که اولین قانون مدون نظام حقوقی ایران به شمار می‌آید در ماده ۱۲۵ آن به حق سکوت متهم پرداخته است. از یک سو بازپرس را از به کار بردن سوالات تلقینی و اجبار و اکراه و اغفال متهم منع کرده است و از سوی دیگر بازپرس را مکلف به هشدار دادن به متهم در خصوص اینکه هر اظهاری کند دارای اثر است و متعاقباً علیه او به کار برده می‌شوند، نموده است. در واقع نتیجه عدم استفاده از حق سکوت متهم را مورد توجه قرار داده است و در صورت سکوت متهم تنها امتناع متهم از پاسخ گویی به سوالات در صورت مجلس منعکس می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری

ماده ۱۲۹ چنین آمده بود: قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم و همچنین آدرس او را دقیقاً سوال کرده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به آسانی مقدور باشد و متذکر می شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند، آنگاه شروع به تحقیق می نماید. سوالات باید مفید و روشن باشند، سوالات تلقینی یا القاء کننده ممنوع است، چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند، امتناع او در صورت مجلس قید می شود. (قاسمی و مقدمی فر، ۱۳۹۶: ۸۳)

پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ ماده ۱۹۷ قانون فوق الذکر نیز چنین اشعار می دارد ((متهم می تواند سکوت اختیار کند در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می شود)) حق سکوت متهم یکی از ویژگی های برجسته قانون آیین دادرسی کیفری است به موجب این قانون متهم می تواند سکوت اختیار کند و تقاضای حضور و کلیش را داشته باشد این موضوع در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت آمده است .

در بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز به حق سکوت متهم اشاره دارد ((هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش هایی راجع به کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی است خودداری کند)) البته این ماده حق سکوت را محدود به سوالات غیر مشروع و نادرست کرده در حالی که حق سکوت همانطوری که بیان شد اعم از اینگونه سوالات و در مقابل سوالات مشروع و در جهت حفظ حقوق متهم، جاری است. (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

با توجه به ادوار گذشته و حال در نظام حقوقی ایران قضات، ماموران تحقیق، تکلیفی برای آگاه کردن متهم به داشتن چنین حقی نکرده است، باید اذعان داشت قوانین فعلی این موضوع را به سکوت و برگزار کرده اند و ظاهراً تکلیفی به تفهیم حق سکوت متهم در قوانین جزایی ایران وجود ندارد.

۱-۲. چالش های غیر حقوقی حق سکوت متهم

علاوه بر چالش های که در قانون وجود داشت و به آنها اشاره شد چالش های دیگری وجود دارند که عواملی خارج از قوانین مدون باعث به وجود آمدن آنها می شود که به طور اختصار به آنها اشاره می شود.

۱-۲-۱. عدم تناسب منابع و امکانات دستگاه قضا و دستگاه پلیس با توجه به حجم پرونده بحث کمبود نیروی انسانی و همچنین کمبود امکانات مالی مشکل و چالشی است که هم دستگاه قضا و هم پلیس با آن مواجه اند. با توجه به گستردگی کار و حجم پرونده های ورودی به دادرها، بسیاری از آنها به کلاتری ها و ضابطان جهت انجام تحقیقات و سایر امور محوله

ارجاع می‌شوند. کمبود نیروی انسانی در کلاتتری‌ها (ضابطین) باعث می‌شود فشار روحی مضاعفی به آنها وارد آید و گاهی این فشار روحی باعث می‌شود روحیه ضابطان شکننده شود و در مقابل متهمان واکنش‌های شدیدی انجام دهند. آقای فوکس و همکارانش در این زمینه تحقیقی انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که محدودیت‌های سازمانی و فشارهای شغلی موجب خشونت پلیس می‌شود. (فوکس، ۲۰۰۱)

حجم بالای پرونده‌ها در کلاتتری‌ها و دستورات مقید به وقت مقام قضایی باعث می‌شود ضابطان جهت تصریح در کار و جلوگیری از اطاله دادرسی به اقرار گرفتن از متهم روی بیاورند و از طرف دیگر کمبود نیروی انسانی باعث شده که ساعات بیشتری از آنچه که در یک روز کار می‌کنند صرف پرونده‌ها نمایند، توان و نیروی آنها تحلیل می‌رود و نتیجه‌اش انجام تحقیقات نامنظم و ناقص است چه بسا بسیاری از پرونده‌های خاص کنار گذاشته می‌شوند و به آنها توجه‌ای نمی‌شود، با توجه به نظارت دادستان و مقام قضایی (که آن‌ها هم گاهی به طور تصادفی است) ممکن است به خاطر سهل‌انگاری، ضابطین مورد تویخ قرار بگیرند که این موضوع باز در نحوه برخورد شدید ضابطین با متهمین بدون تاثیر نیست.

اجرای دستورات قضایی توسط ضابطان منوط است به داشتن تخصص، که بعضا ضابطان فاقد تخصص و اطلاعات کافی هستند و تغییر دادن متعدد مامور در هر پرونده باعث سر در گمی و اختلال در انجام تحقیقات می‌شود که نارضایتی طرفین و مقام قضایی را به دنبال خواهد داشت، توجه به امکانات، منابع انسانی، تخصص‌گرایی از مواردی هستند که در تحقق رعایت حق سکوت و حفظ حقوق متهمین ضرورت دارند.

۱-۲-۲. ضعف و ناکارآمدی راه‌های کشف علمی جرم

گسترش جرایم سازمان‌یافته و فرا ملی در کنار استفاده بزهکاران از وسایل پیشرفته موجب شده توسل به روش‌های سنتی برای جمع‌آوری ادله، باعث شود بسیاری از مجرمان با توجه به محدودیت ماموران در جمع‌آوری دلایل از چنگال عدالت بگریزند، از این رو در پاره‌ای موارد برای مقابله با این بزهکاران، اقداماتی صورت می‌گیرد که برخی از اصول بنیادی حقوق کیفری، نظیر اصل برائت و جمع‌آوری ادله از راه‌های مشروع، تساوی سلاح‌ها، رعایت حریم خصوصی - را به چالش می‌کشند. (مقیمی و قورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۷۷)

بنابراین یکی از اسباب عدم رعایت حق سکوت متهمان در فرایند بازجویی، عدم تجهیز به روش‌های علمی کشف جرم است. با وجود روش‌های علمی جدید کشف جرم، دلیلی برای فشار روحی و روانی و جسمی متهم به منظور اقرار و نیز چگونگی تشریح جرم وجود ندارد. بلکه این متهم است که مغلوب قدرت اثباتی دلایل علمی مکشوفه از جانب ماموران پلیس می‌شود و بدون هیچ برخورد قهر آمیزی از جانب ضابطان زبان به بیان واقعیت می‌گشاید. (قویدل، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

اما آنچه که واقعیت دارد امکانات و تجهیزات پیشرفته فنی مورد نیاز برای کشف علمی جرم بخصوص در جرایم سنگین و پیچیده مانند قتل و... در بیشتر استانها وجود ندارد از این رو اکثر جنایات به موقع کشف نمی شوند و استفاده از ادله سنتی بعضا قابل استناد در جهت کشف جرم نیستند و هر چه از زمان وقوع جرم دور شویم شانس کمتری جهت کشف جرم و اجرای عدالت داریم و این امر موجب می شود جهت کوتاه کردن فاصله بین وقوع جرم و کشف جرم از خیلی از حقوق متهمین من جمله حق سکوت صرف نظر کنیم، نادیده گرفتن حقوق متهمین در فرایند دادرسی خلاف اصول بنیادین حقوق کیفری است. رعایت حق سکوت متهمان در فرآیند بازجویی ضابطان دادگستری در شرایطی جنبه واقعی و علمی به خود می گیرد که جمع آوری ادله و کسب اطلاعات مورد نیاز و برای کشف حقیقت با تکیه بر تجربه و تخصص ضابطان دادگستری و ظرفیت ها و امکانات فنی و تکنیکی آنان امکان پذیر باشد. ناتوانی نظام تحقیقات جنایی در زمینه کشف علمی جرایم و نبود زیرساخت های اطلاعاتی و فنی لازم برای دستیابی به اطلاعات لازم جهت کشف حقیقت ماموران بازجو را به سوی استفاده از روش های مغایر قانون برای به نتیجه رسانیدن پرونده های کیفری سوق می دهد. برای نمونه رعایت حق سکوت متهم مستلزم برخورداری از یک نظام تحقیقات پلیسی کار آمد و دسترسی به دیگر منابع اطلاعاتی جهت احراز بی گناهی یا مجرمیت متهم است. از این رو عدم استفاده از روش های علمی کشف جرم و در دسترس نبودن این امکانات برای ضابطان دادگستری زمینه عدم رعایت ضوابط و معیارها بازجویی را فراهم می کند چرا که در صورت فقدان روش های علمی ضابطان دادگستری مجبور به استفاده از روش های سنتی تحقیقاتی می شوند و از آنجا که کشف جرایم از طریق ادله سنتی همیشه امکان پذیر نمی باشد ضابطان به استفاده از روش های غیر قانونی برای کشف جرم روی می آورند. بدین سان ضعف و ناکارآمدی نظام کشف جرم - تعقیب - شناسایی و دستگیری متهمان نادیده انگاشتن معیارهای قانونی به وسیله ی پلیس و نهاد های مسئول تعقیب کیفری اجتناب ناپذیر ساخته است. (تاج امیر، ۱۳۹۶: ۱۰۶)

۱-۲-۳. فقدان وسایل و تجهیزات نوین سخت افزاری کشف جرم

با استفاده روزافزون مجرمان از وسایل و امکانات پیشرفته و برخلاف این روند استفاده ماموران از روش های سنتی کشف جرم دستگاه عدالت کیفری با چالش های اساسی در خصوص کشف جرایم نوین و سازمان یافته مواجه شده است. در حال حاضر در اکثر کشور های پیشرفته ی دنیا انگشت نگاری از متهمان و دسترسی به سوابق کیفری ایشان از طریق دستگاه های بسیار مجهز و به وسیله ی اسکن نمودن آثار سرانگشتان و به صورت الکترونیکی انجام می شود. لیکن در کشور ما هنوز رویه عملی پلیس به طریق سنتی انگشت نگاری ده انگشتی با استفاده از جوهر صورت می پذیرد. این در حالی است که علاوه بر بی کیفیتی و منقضی شدن تاریخ بعضی از

جوهرها که در عمل باعث عدم دسترسی به نتیجه مورد نظر یعنی کشف علمی جرم است. موجهی برای طولانی شدن زمان دسترسی به سوابق کیفری متهم نیز می باشد. به عبارتی دیگر از آنجا که حجم بالایی از این اوراق برای تعیین سوابق به مرکز تشخیص هویت پلیس ارسال می گردد و با توجه به کمبود پرسنل متخصص به جای بررسی سوابق از روی کلاسمان آثار انگشت او (چون کلاسه بندی کردن آثار انگشت زمان زیادی می برد) این بررسی فقط از روی نام و شهرت او صورت می پذیرد که چنانچه متهم مشخصات خود را اشتباه یا ناقص اعلان کرده باشد دسترسی به سوابق وی امکان پذیر نخواهد بود. فقدان وسایل و تجهیزات نوین سخت افزاری کشف جرم باعث می شود ضابطان دادگستری برای کشف جرم به راه های غیر علمی از قبیل: اخذ اقرار به اجبار و ... دست بزنند که این رویه باعث نقض حق سکوت متهم می شود. با توجه به ضعف سیستم های علمی کشف جرم و نبود امکانات فنی و ضعف زیرساخت های اطلاعاتی برای دستیابی به کشف حقیقت توسط ضابطان دادگستری در نقاط مختلف کشور پیش بینی بودجه ی لازم جهت تجهیز ضابطان دادگستری به وسایل و امکانات نوین و پیشرفته ی جرم یابی ضرورتی غیر قابل انکار است.

۱-۲-۴. مختومه محوری دستگاه قضایی

معضل دیگری که در دستگاه قضایی وجود دارد، مختومه محوری پرونده های قضایی است. توجه ویژه به آمار گرایي در پایان هر ماه، قضات را بر آن می دارد که تعداد پرونده های ارجاعی به ضابطان بیشتر شود تا شاید در انجام تحقیقات و آماده شدن پرونده برای صدور رای و یا قرار تصریح به عمل آید به عبارتی به تعداد پرونده های ورودی، پرونده های خروجی نیز داشته باشند این موضوع در انجام اقدامات ماموران به عنوان ضابط در انجام تحقیقات نیز اثر گذار است، چون باعث می شود با توجه به فشار روانی که دستگاه قضا بر آنها دارد اقدام به اخذ اقرار و نقض حق سکوت متهم بنمایند تا در روند رسیدگی به پرونده ها تصریح به عمل آمده باشد.

تاکید بر سرعت در انجام تحقیقات بدون در نظر گرفتن دقت و کیفیت می تواند زمینه عدم رعایت تشریفات مربوط به دادرسی عادلانه که انجام بازجویی های صحیح و اصولی نیز یکی از این موارد می باشد را فراهم کند. از طرفی، اطلاع تحقیقات مقدماتی و نبود برنامه ریزی برای ارسال پرونده ها و ارسال آنها در حجم بسیار بالا به دادسراها نیز باعث عودت آنها می شود از این رو تعیین محدودیت زمانی معقول برای اجرای سریع و صحیح دستورها توسط ضابطان دادگستری یکی از سازوکارهای رفع این چالش می باشد، که در نتیجه آن حق سکوت متهم تضمین می گردد. (تاج امیر، ۱۳۹۶: ۱۴۱)

۱-۲-۵. اتهام محوری و فرهنگ اقرار محوری حاکم بر دستگاه قضا و دستگاه پلیس

اقرار از دو جهت از اهمیت بالایی برخوردار است اول اینکه قاطع دعوی است و دوم تحصیل آن آسان تر از سایر ادله به دست می آید. اقرار دلیل سنتی و رایج اثبات مجرمیت است و به عنوان شاه دلیل از آن یاد می شود ضابطین بخصوص به لحاظ اینکه اولین کنش گران مباحث کیفری در جرایم مشهود و غیر مشهود تلقی می شوند در صورتی نتوانند دلایل را جمع آوری کنند به دنبال آسانترین راه ممکن که همانا اقرار متهم است می روند. اتهام محوری و اقرار محوری در نظام حقوقی ایران به عنوان رویه ای معمول است در بسیاری از موارد اقرار متهم در بازجویی های پلیس مستند صدور قرار مجرمیت در دادسرا است اکثر دادستانها و قضات به شیوه های غیر قانونی که ضابط برای اخذ اقرار به کار می برد آگاهی دارند و برخوردی انجام نمی گیرد چرا که اتهام محوری و اقرار محوری بر دستگاه قضا نیز حاکم است و سازوکاری که در پلیس برای رعایت حق سکوت وجود داشته باشد هنوز ایجاد نشده است فلذا چون امکانش نیست قضات هم ماموران را باز خواست نمی کنند.

۱-۲-۶. سکوت اختیار کردن مجرمان حرفه ای

رعایت حق سکوت متهم در پاره ای از موارد مقام قضایی و یا ضابطان را با چالش های اساسی مواجه می کند زیرا در برخی موارد تنها اقرار صریح متهم است که منجر به کشف جرم می شود. بسیاری از جرایم مانند محل اختفای جسد مقتول یا محل نگهداری اموال مسروقه در صورت عدم همکاری متهم کشف آنها از روش علمی امکانپذیر نیست، فلذا مجرمان حرفه ای از حق رعایت حق سکوت سوء استفاده می نمایند بویژه وقتی که جرایم سنگینی یا سازمان یافته ای ارتکاب داده باشند، به جرایم ارتكابی اعتراف نمی کنند. (قربانی، ۱۳۸۴: ۳۴) در نتیجه عدم دسترسی به ادله دیگر و سکوت اختیار کردن متهم باعث فاصله بین زمان ارتکاب جرم و کشف جرم می شود. بنابراین پذیرش حق سکوت موجب فرار مجرمان حرفه ای از چنگال عدالت خواهند شد. پلیس که بنا به دستور مقام قضایی به دنبال کشف حقیقت است جهت جلوگیری از صرف هزینه و صرف وقت، متوسل به روش های غیر قانونی و غیر اصولی می شوند که احتمالاً بدون افتراق بین جرایم و متهمین، باعث تضییع حق برخی از متهمین نیز میشود.

گفتار دوم: سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن حق سکوت متهم

بعد از اینکه چالش‌ها مورد بررسی قرار گرفتند حال باید راه کارها و سازوکارهای را برای رفع این چالش‌ها بیان کنیم این سازوکارها در سه قسمت اخلاقی تقنینی و قضایی و انتظامی مورد کنکاش قرار گرفتند.

۲-۱. سازوکارهای اخلاقی تقنینی رعایت حق سکوت متهم

سازوکار تقنینی سازوکاری است که در قانون پیش بینی شده است برای رسیدن به نتیجه مطلوب از آنها بهره مند می شویم. رعایت این سازوکارها باعث می شود که دستگاه قضا و دستگاه پلیس نسبت به رعایت حق سکوت متهم توجه بیشتری نمایند برای پیشگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی استفاده از سازوکارهای فوق، هم برای دستگاه قضا و هم برای دستگاه پلیس ضروری و الزام آور است.

۲-۱-۱. توجه به بعد اخلاقی حق سکوت

در برخورد با متهمین هنگام بازجویی‌ها، رعایت حقوق آزادی‌های فرد، خوش برخوردی، احترام به شخصیت و الای انسانی در عین حال پایبندی به قوانین و مقررات، فضایی را فراهم می نماید که متهمین در کمال آرامش نسبت به دادرسی عادلانه توسط مقام قضایی و ضابط تحت امر در انجام تحقیقات مقدماتی آسوده خاطر به سوالات پاسخ دهند.

۲-۱-۲. طریقی بودن اقرار و لزوم مشروع بودن تحصیل دلیل

طریقت داشتن اقرار در دعای کیفری از دوجهت می تواند کاربرد داشته باشد؛ از یک سو از تحمیل مجازات و کیفر بر متهم بی گناه در مقابل دستگاه عدالت کیفری جلوگیری می کند. و از سوی دیگر از پذیرفتن اقراری که به صورت غیر واقعی به هر دلیلی اخذ شده است جلوگیری به عمل می آورد. (آقا بابایی، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

ادله جمع آوری شده بایستی مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد تا چنانچه معتبر ناشناختن آن احراز گردد از آن صرف نظر نمود. به موجب ماده ۷۶ قانون ۱۹۸۴ انگلستان، محاکم متعهدند اقراری که تحت فشار و یا در نتیجه گفتار و رفتاری که از سوی پلیس که احتمالاً آن را غیر قابل اعتماد می سازد، تحصیل گردیده است نامعتبر بشناسد. (تاج امیر، ۱۳۹۶: ۹۲)

در حقوق کیفری ایران، اصل مشروعیت دلیل را به صورت محدود پذیرفته است، مثلاً در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصل ۳۸ قانون اساسی، بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ایگونه اقرار و نقض حق سکوت را فاقد حجیت شرعی و قانونی خوانده است.

دیوان عالی کشور در مورد اعتبار اقرار از حیث کاشف بودن آن از واقع اعلام داشته است ((در امور جزایی تنها اقرار متهم موضوعیت ندارد و فقط ممکن است طریق علم و استنباط

دادگاه در تشخیص تقصیر متهم واقع شود، نه اینکه به طور کلی و قطع نظر طریقت آن، بر ضرر متهم دلیل وحجت قانونی به شمار رود، بلکه در مقام حکم ارتکاب، فقط دلایل وشواهد اقناع کننده حکم، مناط اعتبار خواهد بود، جزء در مواردی که قانون صراحتاً امر دیگری قرار داده باشد.^۱

میزان ودرجه اعتبار اقرار را قاضی تعیین می کند اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص نظریه مشورتی دارد به شرح ذیل ((میزان ودرجه اعتبار اقرار افراد در جرایم تعزیری به نظر قاضی رسیدگی کننده است، به اعتبار دیگر، برای اثبات جرایم مستوجب تعزیر، اقرار موضوعیت ندارد. ازاین رو چنانچه قاضی با یک بار اقرار متهم، علم به ارتکاب جرم حاصل نماید، کافی است. و اگر به نظر دادگاه، آن اقرار مطابق واقع نباشد، به آن ترتیب اثر نمی دهد.))^۲

رعایت حقوق متهم ایجاب می کند تا ادله معتبر ومشروع از سوی قانونگذار معلوم گردد تا دستگاه عدالت از تحصیل واریه ادله فاقد ارزش قضایی امتناع کند تا بدین ترتیب حق سکوت متهم نقض نگردد.

۲-۱-۳. اعلام وتفهمیم حق سکوت

عدم اطلاع متهم نسبت به حق وحقوق خود مفروض است. آنچه که رعایت حقوق متهم را تکمیل می کند بر خورداری از این حق است. حق سکوت یکی از موازین مهمی است که باید به متهم اعلام شود، تفهمیم حق سکوت به متهم مانع تحریک متهم به خود متهم سازی می شود. استفاده از جهل متهم نسبت به حقوق خود موجب اخذ اظهارات بر ضد خود یا اقرار علیه خود می شود. (قاسمی مقدم، ۱۳۴:۱۳۹۴)

مرکز مطالعات حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۳۶ در رابطه با حق سکوت چنین گفته است (حق سکوت متهم موافق اصول حقوق بشر بوده وپلیس بایستی آن را محترم شمرده و قبل از بازجویی این مطلب را به متهم تفهمیم کند).

بر اساس اسناد بین الملل همچون اساسنامه داگاه کیفری بین الملل که مقرر می دارد قبل از بازجویی باید حق سکوت به متهم تفهمیم شود برخی از کشورها رعایت حق سکوت وتفهمیم آن را در قوانین داخلی خود جاری ساختند، مثلاً در قانون آیین داری کیفری آلمان بر رعایت حق سکوت والزام پلیس به آگاه کردن متهم از داشتن این حق تاکید شده است. (ترجمه توحید خانه وبهره مند، ۲۳۸:۱۳۸۲) در حقوق فرانسه نیز به طور مطلق ودر همه موارد رعایت وتفهمیم حق سکوت اعمال می شود. (آشوری وسپهری، ۲۷:۱۳۹۴)

۱. حکم شماره ۱۲/۴-۱۳۲۴/۷/۲۶ شعبه دوم وحکم شماره ۲۸۵۵-۱۲/۲۸-۱۳۳۵/۱۲ شعبه پنجم دیوانعالی کشور

۲. نظریه شماره ۱۸۹۶ مورخ ۱۳۸۲/۲/۳۱ اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه

استاندارد سازی رویه های عملی حق سکوت متهم، مطابق با اسناد بین الملل وقوانین برخی از کشورها در کشور ما نیز ساز و کارهای همچون نمونه فرم (اعلان حق سکوت) با الگو گیری از هشدار میراندا ونیز فرم (اعراض از حق) طراحی وهمراه آموزش چگونگی اعلان وتفهم این حق به متهم، در اختیار بازجویان قرار گیرد تا مشکلات رویه عملی آنه بر طرف شود.

۲-۲. سازوکارهای قضایی حق سکوت متهم

برخی اعمال وواکنش ها وروش های وجود دارند که توسط مقام قضایی یا دستگاه عدالت اعمال می شوند که می تواند در رعایت حق سکوت متهم نقش بسزایی داشته باشند که به شرح زیر توضیح داده می شوند.

۲-۲-۱. لزوم ثبت وضبط دقیق بازجویی ها در تحقیقات مقدماتی

بازجویی عبارت است از هنر و فن طرح یک رشته سوالات ماهرانه وقانونی از مضمون به ارتکاب جرم، به منظور اخذ اطلاعات صحیح درباره حادثه کیفری که اتفاق افتاده است. بازجویی یکی از مهمترین وظیفترین مراحل تحقیقات کیفری است زیرا تمام اطلاعات جمع آوری شده در غیاب شخص، اعم از دلایل مربوط به صحنه جرم، گزارش ها، صورت مجلس ها، شکایات و... در اختیار مامور بازجو قرار می گیرد. (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۹۰)

بازجویی استاندارد مستلزم رعایت مولفه های است که توانایی علمی بازجو را نشان دهد. علاوه بر آن ثبت وضبط دقیق بازجویی ها می تواند بازجو را مکلف به رعایت اصول اخلاقی کند وتاثیر زیادی در کاهش شکنجه ودیگر رفتارهای غیر انسانی داشته باشد. البته ضبط تصویری، بهترین روش برای بهبود بازجویی، و جلوگیری از نادیده گرفتن اصول بنیادین بازجویی است. در کشورهای همچون فرانسه وانگلستان، افسر بازجو موظف است که قبل از بازجویی شرایط وامکانات لازم را برای بازجویی از جمله ضبط صوت فراهم نماید. آگاه سازی متهم از ضبط بازجویی باعث می شود جامعه ومحاکم قضایی نسبت به بی طرفی پلیس اطمینان خاطر پیدا کند. (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۸۳)

در قوانین داخلی ایران نیز به ثبت اظهارات متهمین تصریح شده است. بند ۱۲ قانون احترام به آزادی های مشروع وحفظ حقوق شهروندی، بر لزوم اجتناب از هر گونه تغییر وتحریف در نوشتن پاسخ ها وقرائت مطالب نوشته شده پس از بازجویی توسط ضابطان دادگستری تاکید شده است، همچنین ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای تضمین حق سکوت متهم مقرر داشته ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر، تاریخ وساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی وتاریخ وساعتی که شخص را به نزد قاضی می برند در صورت جلسه قید نمایند. وآن را به امضاء ویا اثر انگشت وی برسانند.

بعضا ثبت وضبط اظهارات به طور ناقص انجام می‌گیرد، یا تاریخ بازجویی را صوری قید می‌کنند یا برگ بازجویی توسط ضابطان تکمیل و سپس به امضاء متهم می‌رسد، جهت جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از موارد مذکور بهتر آن است که از ضبط ویدیویی در بازجویی‌ها استفاده شود تا ضمن دقت در نحوه برخورد با متهمین تمام عکس العمل‌های دوطرف ضبط شوند و این عامل جنبه مثبت و منفی را به دنبال خواهد داشت از یک طرف اجبار و اکراه متهم و از برخورد غیر انسانی نسبت به متهم کاسته می‌شود و از طرف دیگر چنانچه متهم اظهاراتی را اعلام کرده باشد یا اقرا نماید بعداً نمی‌تواند آنها را انکار نماید. باید به این نکته توجه شود که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین سازوکاری پیش بینی نکرده است.

۲-۲-۲. منع شکنجه، اکراه، اجبار متهم به سخن گفتن

ممنوعیت شکنجه یکی از مهمترین ارزش‌های اساسی جوامع دمکراتیک به شمار می‌آید. حق آزادی از شکنجه، آنچنانکه در اسناد بین الملل و منطقه‌ای تعریف شده است مشتمل بر ممنوعیت هفت شکل متمایز از رفتار می‌باشد، ((شکنجه، رفتار ظالمانه، رفتار غیر انسانی، رفتار تحقیر آمیز، مجازات ظالمانه، مجازات غیر انسانی، مجازات تحقیر آمیز)) در ارتباط با هر شکلی از رفتارهای ذکر شده حتی در وضعیت‌های اضطراری و تحت هر شرایطی این ممنوعیت برقرار است و هیچ امری نمی‌تواند موجب مجاز شدن این اعمال گردد. (رولی، ۱۹۹۹: ۷۹)

اسناد حقوق بشر حتی در بحرانی‌ترین شرایط مانند درگیری‌های سازماندهی شده تروریست‌ها و جرایم بسیار مهم نیز استفاده از شکنجه یا دیگر رفتارها و... به طور مطلق منع می‌نمایند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

چون مهمترین هدف بازجویی کسب اطلاعات مربوط به جرم است، کسب اطلاعات مربوط به جرم پرسه‌ای طولانی مدت است معمولاً ضابطین برای رسیدن به این هدف، کوتاهترین راه را که همانا شکنجه برای اخذ اقرار است، انتخاب می‌کنند. در برخی موارد متهم به خاطر فشارهای روانی و جسمی از جمله بی‌خوابی، قرار گرفتن در سلول‌های تنگ، ماندن شبانه در بازداشت‌گاهها، کمبود آب، غذا، می‌خواهند هرچه سریعتر از این وضعیت خلاص شوند فلذا به جرم اتهامی اعتراف می‌کنند در حالی که اگر این شرایط بر متهم حاکم نبود به جرم اتهامی به دروغ اعتراف نمی‌کرد.

در قوانین داخلی نیز بر منع شکنجه تاکید شده است و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته شده است. در اصل ۳۸ قانون اساسی اعمال هر گونه شکنجه و اذیت و آزار برای کسب خبر و اطلاع و حتی اقرار متهم را ممنوع دانسته و ادله تحصیلی از این طریق را فاقد ارزش و اعتبار می‌دانند.

۲-۲-۳. منع پرسش تلقینی و اغفال متهم

پرسش‌های تلقینی از جمله مواردی هستند که باعث می‌شود متهمین تحت تاثیر قرار گیرند و مطابق با خواسته بازجو به پرسش‌ها پاسخ دهند و ممکن است این پاسخ بر خلاف واقع باشد و چنین تحصیل دلیلی غیر صادقانه و غیر شفاف است. و حقوق دفاعی تضمین شده متهمین را به مخاطره می‌اندازد. نمونه‌ای از پرسش‌های تلقینی که از متهمین پرسیده می‌شوند این است که مال مسروقه را به چه کسی فروخته‌اید؟

سوالاتی که به قصد فریب و اغفال متهم پرسیده می‌شود مثل اینکه به متهم بگویند اگر اتهام را بپذیری یا پاسخ سوالات را بدهی در مجازات تخفیف داده می‌شود در غیر اینصورت آزارت می‌دهیم. متأسفانه این موارد در رسانه‌های جمعی نیز به اشتباه مطرح می‌شوند در اکثر فیلم‌های پلیسی شاهد این جملات از سوی پلیس هستیم. تذکر این نکته ضروری است اگر یکی از شرایط تخفیف مجازات، می‌تواند همکاری مجرم با مقام قضایی و پلیس باشد، اما مطرح کردن این جملات توسط بازجو ممکن است متهم را وادار به اقرار کاری میکند که انجام نداده است. بنابراین این طور سوالات مسیر حقیقت را منحرف کرده و باعث نقض حق سکوت متهم می‌شود.

اغفال و سوالهای تلقینی بر سلامت قوه تصمیم‌گیری فرد تاثیر می‌گذارد با این حال برخی کشورها از این روش‌ها در سطح وسیعی استفاده می‌کنند چنانچه در نیم قرن اخیر در برخی کشورها در کنار شکنجه روحی، از روش‌های اغوا و فریب نیز استفاده می‌کنند. (لیو، ۱۹۹۲: ۳۸)

از این رو اغفال و فریب متهم می‌تواند از مصادیق نقض اصل قانونی بودن دادرسی، اصل برائت و اصل ممنوعیت اجبار متهم به اقرار علیه خود با دیگری قلمداد گردد. (یوسفیان و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۵۴۱)

۲-۳. سازوکارهای اداری و انتظامی حق سکوت متهم

جلوه‌های دیگری از سازوکارها هستند که می‌تواند در رعایت حق سکوت موثر باشند، این سازوکارها می‌تواند توسط دستگاه پلیس رعایت شود البته نظارت دادستان به عنوان رییس ضابطان در انجام اقداماتی که برای حصول رعایت حق سکوت متهم در روند بازجویی‌ها توسط بازجویان انجام می‌گیرد بسیار تاثیر گذار است.

۲-۳-۱. به کارگیری بازجویان مجرب و آموزش دیده

اگر کلیه ماموران از رهگذر آزمون‌های روانشناسی و اخلاقی و سلامت جسمانی بگذرند در اجرای نقش خود بهتر ظاهر می‌شوند و سهم بسزایی در رعایت موازین حقوق متهم در اجرای بازجویی خواهد داشت. بی تردید نادیده انگاشتن و بی توجهی در هنگام استخدام نسبت به آزمون و سنجش معیارهای شخصیتی و روانشناختی که پلیس را در معرض نقض حقوق و آزادی‌های

عمومی قرار می‌دهد موجب افزایش شکایت و پرونده‌های مربوط به نقض حقوق بشر خواهد شد. (اندرسون، ۲۴: ۱۹۹۹)

علاوه بر معیارهای شخصیتی و روانشناختی، پلیس همواره باید در کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی جهت اخذ مهارت‌های لازم شرکت نماید، فراگرفتن آموزش‌های شغلی باعث می‌شود نیروی متخصص پرورش دهیم، گذراندن دوره‌های آموزشی، شرکت در همایش‌ها و کارگروه‌های علمی، انتقال تجربیات افسران با سابقه در زمینه ایجاد تعادل و توازن میان ملاحظات مربوط به بازجویی و دغدغه‌های رعایت حقوق متهم، موجب مجرب شدن ماموران بازجو می‌شود. بنابراین هر چه ماموران بازجو آموزش بیشتری داشته باشند در تفسیر سر نخ‌های کلامی و غیر کلامی، در تشخیص راست گفتن و یا دروغ گفتن متهم بهتر می‌توانند عمل نمایند، در نهایت قانون دقیق‌تر اجرا می‌شود و با حسن اجرای قانون، حقوق متهم و منافع جامعه بهتر تامین می‌شود.

۲-۳-۲. نظارت نهادهای مسئول بر چگونگی بازجویی

ضابطان نقش مهم و قابل توجهی در دستیابی به عدالت کیفری دارند، به لحاظ شرایط خاصی که بازجویان دارند چه بسا رفتار و برخوردهای آنها با متهمین تحت تاثیر فشارهای روانی قرار گیرند و برخوردهای خارج از ضوابط قانونی از آنها سرزند، این مستلزم نظارت مستمر دادستان و یا سایر مقام‌های قضایی مسئول می‌باشد که در صورت تخلف ماموران، مورد تعقیب انتظامی و محکومیت قرار گیرند. استفاده از سازوکار تعقیب ماموران پلیس در صورت تخلف از قوانین، موجب کاهش سوء استفاده ماموران از جایگاه خود در هنگام بازجویی از متهم می‌شود. از نظر تقنینی دو نهاد سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون اصل نود قانون اساسی، نهاد‌های هستند که بر طبق قانون می‌توانند بر عملکرد ضابطان نظارت داشته باشند، البته سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند راسا و یا بنا به درخواست شهروندان نسبت به نقض حقوق شهروندی، توسط ضابطان رسیدگی و تحقیق کند و کمیسیون اصل نود گرچه راسا نمی‌تواند وارد عمل شود ولی در صورت ارجاع گزارش یا شکایت شهروندان از ضابطان، می‌تواند نسبت به تعقیب و پیگیری این گزارش‌ها اقدام کرده و گزارش تحقیقات خود را به مقام قضایی ارجاع دهد و نیز در مجلس قرائت کند. استفاده از تدابیر انضباطی یکی از سازوکارهای جلوگیری از رفتارهای غیر قانونی ضابطان نسبت به متهم و در نتیجه جلوگیری از تضییع حقوق متهمین است.

۲-۳-۳. تخصصی شدن ضابطان

تورم قوانین کیفری و ورود این گرایش از حقوق به بسیاری از حوزه‌های تخصصی همانند حقوق اقتصادی، سایبری، محیط زیست، خانواده و...، لزوم تخصصی شدن پلیس را برای بر آورده نمودن توقعات مقنن در حوزه‌های یاد شده می‌طلبد، زیرا غالب مجرمان فعال در این حوزه‌ها

حرفه ای هستند و برای تعقیب و دستگیری آنها نیازی به دانش خاص است. دوم اینکه دغدغه مقنن برای مقابله با تهدیدات این گونه مجرمان در سایه ضابطان توانمند و متخصص جامعه عمل می‌پوشد، بی توجهی پلیس به این مهم نتیجه ای جز تحدید آزادی های مشروع شهروندان و برچسب زنی به شهروندان ندارد. هر اندازه حوزه کار یک ضابط کوچکتر و تخصصی تر باشد به وی این امکان داده می شود که سطح معلومات و اطلاعات خود را افزایش دهد. تخصص ضابط عاملی موثر و تعیین کننده در پیشگیری و اعمال قدرت دستگاه عدالت کیفری است. حاصل کار این است که تمام وقت و حواس خود را صرف وظیفه محوله می کند و در آن کار ورزیده می شود و کیفیت بهتری عاید می شود. فلسفه و ضرورت تخصص گرایی از ابعاد مختلف قابل بررسی است که مهمترین آنها ارتقای کیفیت رسیدگی و امنیت خاطر شهروندان است، زیرا به هر اندازه که ضابطان و دست اندر کاران امور کیفری بر موضوع خاصی تمرکز کنند مسلما خروجی آنان مطلوبیت بیشتری به دنبال خواهد داشت، با این وجود دستیابی به تخصص مستلزم یک سری پیش نیاز هاست. (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۶: ۱۸)

نتیجه گیری

اگر در کنار قوانین کیفری قاعده های اخلاقی در نظر گرفته نشود تبعیت از قوانین برای افراد، دشوار بود و همین امر باعث می شد برخی قوانین متروک شوند، در بطن برخی مواد قانونی توجه ویژه ای به بعد اخلاقی آن شده است، با وجود پذیرش حق سکوت متهم در اسناد بین المللی و قوانین داخلی، بخصوص در مرحله تحقیقات دادرسی، همواره مورد مناقشه و نزاع بین حقوقدانان بوده است. در مورد رعایت حق سکوت متهم در فرایند دادرسی، آنطوری که در قوانین داخلی و اسناد بین المللی آمده است به سادگی و سهولت قابلیت اجرایی در محاکم و در مرحله تحقیقات را ندارد چون در رعایت حق سکوت، چالش های گاه اخلاقی را به دنبال خواهد داشت که گاه مانع اجرایی شدن آن در تحقیقات، بازجویی ها... می شود. وجود زیر ساخت های لازم برای رعایت این حق در نظام حقوقی ایران ضرورتی انکار ناپذیر است، در رعایت حق سکوت متهم، چالش های اخلاقی حقوقی و غیر حقوقی در نظام کیفری ایران وجود دارد که عبارتند از: ۱- موضوعیت داشتن اقرار در برخی جرایم، در قوانین موضوعه به اقرار متهم توجه ویژه ای شده است چه بسا برای رسیدن به این هدف برخی از حقوق متهم در فرایند کیفری نادیده گرفته می شود و این موضوع از بعد اخلاقی مورد مزمت قرار گرفته می شود، با وجود تراکم پرونده ها در دادسرا و در کلانتری ها و عدم امکانات مکفی، انتظار فشار روحی بر کارکنان و در نتیجه برخوردهای قهر آمیز بامتهمین و نقض حق سکوت را باید داشته باشیم. ۲- عدم تفهیم، دارا بودن حق سکوت به متهم توسط بازجو یا مقام قضایی قبل از شروع به تحقیقات، چنانچه بازجو یا ضابط قبل از شروع تحقیقات و پرسش سوالات مرتبط با جرم انتسابی، داشتن حق سکوت را به متهم متذکر شود این امر باعث می شود متهم در پرتوی اصل برائت همچنان بی گناه بماند ۳- عدم امکانات و تجهیزات مدرن سخت افزاری و نا کارآمدی راههای علمی کشف جرم باعث می شود که ضابطان در کشف جرم احساس ناتوانی نمایند و به روش های غیر قانونی جهت کشف جرم روی آورند. ۴- مختومه محوری و اتهام محوری دستگاه عدالت و دستگاه پلیس است، توجه دستگاه قضا به آمار و عملکرد ماهانه (آمار گرای) و با این توقع که به تعداد پرونده های که وارد دستگاه می شوند به همان اندازه باید مختومه داشته باشیم گاه باعث می شود که بسیاری از تحقیقات ناقص و در تعجیل در این امر بسیاری از حقوق متهمین من جمله حق سکوت را نادیده بگیرند. حقیقتا وجود چالش ها مانعی جهت اجرایی نمودن حق سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی است. باید به دنبال راه کارها و سازوکارهای برآیم تا بتوانیم حقوق متهم را رعایت کرده باشیم. رعایت سازوکارهای تقنینی (طریقی بودن اقرار تلزوم مشروع بودن تحصیل دلیل - اعلام و تفهیم حق سکوت) و سازوکارهای قضایی (لزوم ثبت و ضبط دقیق بازجویی ها - منع شکنجه جهت به سخن در آوردن متهم - منع پرسش های تلقینی و اغفال کننده) و سازوکارهای

اداری، انتظامی (به کارگیری بازجویان مجرب و آموزش دیده - نظارت نهادی های مسئول بر چگونگی بازجویی - تخصصی شدن ضابطان) ، وجود چالش ها در اجرای رعایت نمودن حق سکوت بر هیچ کس پوشیده نیست به کارگیری سازوکارهای تقنینی، قضایی، اداری و انتظامی که در متن به آن اشاره شد راهی است که می توانیم بر موانع و چالش ها فائق آییم و الزام به استفاده از سازوکارها هم برای تضمین دادرسی عادلانه و هم برای تضمین حقوق دفاعی متهم در روبه قضایی ایران بسیار مفید و اثر گذار است. استفاده از راه کارها رعایت حق سکوت را در مراحل مختلف دادرسی تضمین می کند.

پیشنهادهات

- ۱- احیای دوباره پلیس قضایی در نظام حقوق ایران با نگرش اخلاق مداری
- ۲- ارائه آموزش های خاص و ویژه به ضابطان دادگستری و استمرار این گونه آموزش ها بخصوص توجه به بعد اخلاقی نحوه برخورد با مظنونین
- ۳- الزام ضابطان به قرار دادن بروشور حقوق متهم در جایی که روئیت آن به سهولت برای متهمین امکان پذیر باشد
- ۴- اجرای ضمانت اجرایی برای بی توجهی به حقوق متهمین توسط ضابطان و مقام قضایی
- ۵- الزام کردن بازجویان به استفاده از ضبط صوت تصویری در تحقیقات

فهرست منابع

- ۱- انصاری، ولی اله. (حقوق تحقیقات جنایی) (مطالعه تطبیقی)) انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۲- آقا بابایی، حسن (ارزش اثباتی اقرار در جنایات: از الزامات نظری تا تحولات قانونی) مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۸، زمستان، ۱۳۹۳
- ۳- آشوری، محمد و روح اله سپهری (بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه) مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶، پاییز و زمستان، ۱۳۹۴
- ۴- آنکه فرکمان و گریش توماس (داگستری در آلمان) ترجمه محمد صدری توحید خانه و حمید بهره مند بک نظر، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲
- ۵- ابراهیمی، محمد. (تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی در نظام بین الملل حقوق بشر، انتشارات خسروی، چاپ اول، ۱۳۸۹)
- ۶- تاج امیر، ابراهیم. (سازوکارهای رعایت حق سکوت و دسترسی به وکیل در جریان بازجویی ضابطان دادگستری) رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶
- ۷- شریفی، محسن. (ژرف نگری پیرامون مکانیسم های تضمین کننده حقوق آزادی های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه های حقوق بشر) مجله حقوقی و قضایی دادگستری، تهران، ۱۳۹۰
- ۸- شریفی، احمد حسین. (آیین زندگی اخلاق کاربردی) دفتر نشر معارف قم، ۱۳۹۳
- ۹- رحمدل، منصور. (حق سکوت) مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان، ۱۳۸۵
- ۱۰- قاسمی، محمد علی و محمد مقدم فر. (بررسی حق سکوت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری از منظر بزه دیده شناسی) مجله مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۳، ۱۳۹۶
- ۱۱- قاسمی مقدم، حسن (تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲) پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۳۹۴
- ۱۲- قویدل، ملیحه. (موانع رعایت حقوق دفاعی متهم در فرایند کیفری ایران) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، مشهد، ۱۳۸۶
- ۱۳- قربانی، علی. (بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی عادلانه) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- ۱۴- فرجیها، محمد و جمشید غلاملو. (تحلیل فرایند های تحصیل اقرار نادرست در مرحله تحقیقات پلیسی، پژوهش نامه حقوق کیفری، پلی کپی، ۱۳۹۵)

- ۱۵- فرنام، حکیمه (رابطه حقوق کیفری و اخلاق) دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، ۱۳۹۴
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر. (اثبات و دلیل اثبات) نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲
- ۱۷- گیتی شبانداری و ساک کریانگ (حقوق بین الملل کیفری) ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱
- ۱۸- محمدنسل، غلامرضا. (بررسی اجمالی ضوابط قانونی انگلستان در مورد ضبط بازجویی از متهمان در مرحله تحقیقات پلیس، مجله علوم جنایی، تهران، ۱۳۸۶
- ۱۹- هانس یوریک آلبرت. (تروریسم، خطر و قانونگذاری) ترجمه مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۳، ۱۳۸۵
- 20- Nigeh.s.Rodly, the treatment of prisoners under international law, second edition, ciarendon press, oxford. 1999. p.79
- 21- leo, R.A. from coercion to deception: the changing nature of police interrogation in America, crime, law and social change (1992).